

## جامعه در نگاهِ تاگور

فاطمه رادان\*

رابیندرا نات تاگور شاعر، فیلسوف، موسیقی‌دان و چهره‌پرداز اهل بنگال هند است که در ششم می سال ۱۸۶۱ م در کلکته هندوستان به دنیا آمد و در هفتم آگوست ۱۹۴۱ م درگذشت. تاگور از خاندان برهمنان هند بود. وی در سال ۱۹۱۲ م با ترجمه دفتر شعر پراوازه خود به نام «گیتانجلی» به زبان انگلیسی جایزه نوبل را دریافت کرد.

تاگور خود می‌گوید:

در این هنگام که به‌شامگاه زندگی رسیده‌ام و به‌گذشته خود به‌دقت می‌نگرم متوجه می‌شوم که آنچه درباره آن مرا یقین حاصل است، این است که شاعر هستم... ادعا نمی‌کنم که عالم ربّانی هستم، ادعا نمی‌کنم که رهبر سیاسی هستم، ادعا نمی‌کنم که عالم اخلاق یا پیشوای دینی هستم، ولی می‌گویم که شاعرم!

ایدئولوژی اصلی تاگور بر شناخت خدا از راه تهذیب نفس و خدمت به‌دیگران استوار بود و سادگی و در عین حال عمیق بودن آثارش از آن نشأت می‌گیرد. در عالم سیاست، او از حامیان گاندی و اندیشه استقلال هند بود.<sup>۱</sup> وی آرزو داشت روزی نابرابری‌های اجتماعی و تبعیض‌های فاحش در جوامع بشری از میان برخیزد و برابری و تساوی حقوق کامل میان انسان‌ها برقرار گردد.<sup>۲</sup>

---

\* دانش آموخته جامعه‌شناسی دانشگاه همدر، دهلی‌نو.

۱. پورداد، ابراهیم، رابیندرا نات تاگور، مجله دانشکده ادبیات تهران، دی‌ماه ۱۳۴۰ ه.ش، ص ۱۲.

۲. رابیندرا نات تاگور، ترجمه فرهاد کاوه، روزنامه شرق، شماره ۸۲۸، تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۶ ه.ش.

۳. مصطفوی، رضا، تاگور در ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، نشریه بیاض، سال ۱۰، شماره یک، سال ۱۹۹۰ م.

تاگور در مقاله‌ای تحت عنوان اجتماع و حکومت<sup>۱</sup> در کتاب مردجهانی<sup>۲</sup> به تکلیف پادشاه و اجتماع اشاره می‌کند. وی تکلیف پادشاه را جنگ، دفاع و دادگستری می‌داند. و انجام سایر امور کشور را تکلیف مردم و آنان را پایبند وظایف اجتماعی می‌داند. از این رو آبادانی و استقلال کشور هند را نتیجه فعالیت اعضای جامعه قلمداد می‌کند. نویسنده با تأکید بر حسن وظیفه‌شناسی مردم به مقایسه کشور انگلستان و هند می‌پردازد. وی معتقد است که در انگلستان همه امور توسط دولت انجام می‌شود. وجود انگلستان را تابع زنده بودن حکومت و وجود هند را تابع حفظ ادراک اجتماعی می‌داند. از نظر او آزادی اجتماعی در هند همان قدر اهمیت دارد که آزادی سیاسی در انگلستان. تاگور یکی از دلایل تغییرات جامعه هند را محدود شدن وظایف اجتماع به واسطه برقراری قوانین انعطاف ناپذیر انگلیسی‌ها برمی‌شمارد. به نظر وی خروج از کشور برای کسب معلومات و دارائی نه تنها اشکالی ندارد بلکه باعث شکوفایی استعدادهای نهفته و توسعه می‌شود. و ضروری است که اندوخته‌های خارج از کشور در وطن بکار گرفته شود. وی همچنین با نقد این نکته که کنگره استان‌ها<sup>۳</sup> برای فرستادن پیام به وطن از زبان بیگانه استفاده می‌کنند، در به‌کارگیری زیان بومی برای توده مردم تأکید می‌کند و با رد تشکیل جلسه کنگره به سبک انگلیسی، تشکیل اجتماع بزرگی مانند بازار مکاره هندی را پیشنهاد می‌کند که در این بازار جمعیت زیادی از اطراف کشور جمع می‌شوند و درحالی‌که محصولات کشاورزی هند به نمایش گذاشته می‌شود و به ادیبان و خوانندگان برتر جوایزی داده می‌شود، افکار دنیای بزرگ به درون و قلب مردم نفوذ می‌کند. وی تشکیل بازارهای مکاره به منظور نزدیکی بین هندوها و مسلمانان و شناسائی احتیاجات حقیقی مردم توسط طبقه روشنفکر را عامل مهمی در پویائی جامعه می‌داند. همچنین

- 
۱. این مقاله در سال ۱۹۰۴ م در یک جلسه عمومی در کلکته خوانده شد و همان سال در بانگادارشان انتشار یافت و در سال ۱۹۰۵ م در کتاب اتاساکنی چاپ شد.
  ۲. تاگور، رابیندرا نات، مردجهانی، ترجمه دکتر علاءالدین بازارگادی، دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۴۳ ه.ش.
  ۳. این کنگره در سال ۱۸۸۸ م در کلکته افتتاح شد و در جلسه سال ۱۹۰۸ م که خود تاگور ریاست آن را به عهده داشت، نطق خود را به زبان بنگالی ایراد کرد.

برقراری جشن و سرور، برای درک مذهب و لذت ادبی را از دیگر کارکردهای این بازارها می‌داند.

نویسنده مقاله در ادامه به چگونگی رابطه افراد جامعه با یکدیگر می‌پردازد. از نظر وی این رویه در هند و مشرق زمین وجود دارد که هر شخصی باید رابطه خود با همسایگان و دورترین خویشاوند خود را نیز حفظ کند. در چنین جوامعی انسان یک ماشین یا ابزار پیشرفت منافع دیگری محسوب نمی‌شود. رابطه قلبی افراد مبنای روابط آنان است و در این نوع رابطه، مسئولیت‌های اضافی بر عهده اعضای جامعه گذاشته می‌شود. وی خونگرمی هندی‌ها را علت رابطه نزدیک بین خویشاوند و بیگانه، طبقات عالی و پست، میزبان و مهمان در سرتاسر کشور هند می‌داند.

تاگور از اینکه ثروت مادی از مملکت خارج می‌شود، تأسف می‌خورد و از اینکه روح مملکت به سمت خارج از هند منحرف می‌شود، بیشتر تأسف می‌خورد و آن را بدتر از خروج ثروت به خارج می‌داند. ناکامی برنامه‌ها و اقدامات را ناشی از فقدان همفکری و همکاری بین اعضای جامعه تلقی می‌کند و تسلط مادی و معنوی دشمن بر همه امور را گوشزد می‌کند. و تنها راه مقابله با دشمن را اتحاد و ایستادگی توأم با انتخاب رهبری توانا ذکر می‌کند. از نظر وی تجلی وحدت اجتماع در رهبر جامعه موجب هوشیاری و مصونیت جامعه می‌شود. با وجود اجتماع زنده و هوشیار، هیچ رهبری نمی‌تواند به آن جامعه آسیب دائمی و جدی وارد کند.

نویسنده مقاله پرداخت اعانه با میل و رغبت به شکل یک عادت روزانه توسط اعضای جامعه به منظور مقابله با کمبود اعتبار را ضروری می‌داند. همان‌گونه که پرداخت اعانه‌های اختیاری باعث تأسیس خانقاه‌ها و معابد ثروتمند شده است.

رابیندرانات تاگور مخالف تجزیه بنگال<sup>۱</sup> بود و آن را موجب تضعیف آن استان می‌دانست. مقابله با نیروی خارجی را در پرتو بیداری بی‌خبران و تقویت وحدت مردم امکان‌پذیر می‌دید. وی به اختلاف بین مسلمانان و هندوها اشاره کرده و معتقد است که

۱. در سال ۱۹۰۵ م بنگال توسط لرد کرزن تجزیه شد و این اقدام منجر به قیام ملی گشت که تاگور از راهبران آن قیام بود.

اگر این نزاع‌ها ادامه یابد و برای برقراری صلح و حسن نیت، نظم و تربیتی برقرار نشود، این نزاع‌ها باعث تضعیف جامعه می‌شود. در هند همواره نیروی وحدت بخشی وجود داشته که در نامساعدترین وضعیت دلیل بقاء هند بوده و همین نیرو بین سنن کهنه و عصر جدید سازگاری شگفت‌آوری ایجاد کرده است.

نویسنده مقاله با اشاره به تاریخچه اختلاف جامعه هند و دنیای خارج، ورود آریائی‌ها به هند را اولین کشمکش بومیان هند با نیروهای خارجی می‌داند که در این کشمکش آریائی‌ها پیروز شدند و بومیان نه به سرزمین دیگر تبعید شدند و نه از بین رفتند بلکه با وجود اختلاف فاحش بین فرهنگ‌ها توانستند در سازمان اجتماعی آن روزگار مقام مشخصی پیدا کنند و موجب غناء و تنوع فرهنگ جامعه آریائی شدند.

در عصر بودا نیز آداب و رسوم و سنن بسیاری از سایر ملل که مجذوب آئین بودا شده بودند به سوی هند سرازیر شدند. این تعامل فرهنگی باعث غنی‌تر شدن فرهنگ هندی گردید. تهاجم مسلمانان به هندوستان نیز موجب سازگاری بین مسلمانان و هندیان شد. از نظر تاگور تجمع چهار مذهب بزرگ یعنی هندو، بودائی، اسلام و مسیحیت در هند، نمایشی از درهم آمیختگی عظیم اجتماعی است. وی معتقد است که اغتشاش و آشفتگی‌های عصر بودا احساس ترس از تغییر و تازگی در جامعه هندوی باقی گذاشت و تحت این شرایط، امکان ترقی و ایستادگی در مقابل نیروی خارجی از بین رفت. تفوق و برتری هند بر اثر مستولی شدن ترس بر جامعه هند از بین رفت و این جامعه دچار انجطاط گردید.

روح حقیقی جامعه هند از نظر تاگور در قدرت اصول برهمنی و دانش است از این رو تهذیب اجتماع، وظیفه برهمن است. به نظر وی هر ملتی جزئی از بشریت است و هر ملتی باید بتواند به این سوال پاسخ دهد: تو برای بشر چه داری و چه راه تازه‌ای برای سعادت او یافته‌ای؟

نویسنده این مقاله به یکی از ویژگی‌های مهم سرزمین هند در طول تاریخ اشاره می‌کند و اینکه هند هرگز چشم طمع به سرزمینی ندوخته و برای به دست آوردن غنائم بازرگانی کوششی نکرده است. در نتیجه برخی از کشورها مثل ژاپن، چین و تبت که اصرار بر بستن راه به روی اروپائیان دارند. همین کشورها، از هند به عنوان راهنمای

روحانی خود در وطنشان استقبال می‌کنند. از این رو افتخار حاصل از ریاضت عالی‌تر از شکوه سلطنت است.

تاگور دلیل سلطهٔ انگلیسی‌ها بر هند را ضعف و انحطاط مادی و معنوی هند برمی‌شمارد. نتایج حاصله از برتری نیروهای انگلیسی را آگاهی مردم هند از پیشینه و عظمت خود و ضعف جامعه هند آن روزگار می‌بیند. توجه به نیروهای نهانی و بیداری آن بهترین و صحیح‌ترین راه برای حفظ جامعه هند، مورد توجه وی قرار گرفته است.

او سستی و بی‌تفاوتی اعضای جامعه را عاملی برای اسارت توسط نیروهای انگلیسی به حساب می‌آورد. شیون و زاری را درمان درد نمی‌پندارد. همچنین با تقلید از انگلیسی‌ها مخالف است و تغییر ظاهری را خود فریبی می‌داند. تاگور تنها راه رهایی از تحقیر را تقویت اراده و نیروهای درونی، تربیت نفس خویش و به دست آوردن شخصیت حقیقی اعضای سرزمین هند ذکر می‌کند.

وحدت در تنوع پیدا می‌شود. تفاوت موجب نزاع نمی‌گردد. بیگانه را دشمن نمی‌داند. هیچ‌کس را از خود دور و یا نابود نمی‌کند. روش‌های مختلف را می‌پذیرد و بزرگی را هر کجا بیابد مورد قدردانی قرار می‌دهد. نویسنده اینان را اصول ایمان باطنی هند برمی‌شمارد. به خاطر داشتن امر الهی، اراده راسخ، پرهیز از تقلید دانش اروپایی و توجه به هنر، علم و معرفت هند را مورد تأکید قرار می‌دهد.

### منابع

۱. پورداود، ابراهیم، *رابیندرا نات تاگور*، مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران، دی‌ماه ۱۳۴۰ ه.ش.
۲. تاگور، رابیندرا نات، *مردجهانی*، ترجمه دکتر علاءالدین بازارگادی، دانشگاه تهران، شهریور ۱۳۴۳ ه.ش.
۳. *رابیندرانات تاگور*، ترجمهٔ فرهاد کاوه، روزنامهٔ شرق، شمارهٔ ۸۲۸، تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۶ ه.ش.
۴. مصطفوی، رضا، *تاگور در ایران*، دانشگاه علامه طباطبائی، نشریهٔ بیاض، سال ۱۰، شمارهٔ یک، سال ۱۹۹۰ م.